

## مردم‌نگاری مراسم عروسی در دزفول

محسن ظریفی‌نیا

### چکیده

مراسم عروسی در دزفول همچون سایر مناطق کشور مشحون از آداب و سنن متنوع و گوناگون بود. حضور بزرگان خانواده در مراسم، همیاری اقوام و آشنایان، تعامل خانواده‌ها با یکدیگر و دید و بازدیدها از ویژگی‌های این مراسم در گذشته بود. احترام به بزرگان خانواده در تمام مراحل مراسم مشاهده می‌شود. این ویژگی‌ها، تجربه‌های گرانقدری را برای همزیستی نسل‌های مختلف در کنار یکدیگر ایجاد می‌کرد. همچنین حضور مؤثر اقوام و آشنایان، همدلی و همیاری را میان افراد یک جامعه افزایش می‌داد. برخی از آداب و سنن ازدواج در دزفول مختص این منطقه می‌باشد اما شکل کلی مراسم در همه نقاط کشور یکسان اجرا می‌شود. نمایش آیین‌ها و مراسمی همچون ازدواج از رسانه می‌تواند نمایشی از مؤلفه‌های همبستگی در ایران قلمداد شود.

در واقع ساخت مستندهای جذاب از آیین‌ها می‌تواند کارکردهایی همچون شادی‌بخشی، همیاری و همدلی، احترام به بزرگان و خانواده محوری را به شکلی نمادین و غیرمستقیم به مخاطب منتقل کند و با تأکید بر محورهای مورد نظر به ترویج آنها در جامعه بپردازد. همچنین برگزاری ساده و معنوی این مراسم وجه دیگر نمایش چنین سنت‌هایی است. تبلیغ غیر مستقیم این وجه در تولیدات مختلف رویکرد جامعه را در یک دوره زمانی تحت تأثیر قرار می‌دهد.

**کلیدواژه‌ها:** آداب و سنن، عروسی، مراسم عروسی دزفول، مردم‌نگاری عروسی

## مقدمه

در گذشته، مراسم ازدواج از مهم‌ترین آیین‌ها محسوب می‌شد. در این مراسم، آداب و سنن، شادی‌ها، ترانه‌ها، اشعار و دید و بازدیدهای گوناگون و متنوعی اجرا می‌شد. تنوع این آداب نشان می‌دهد که تا چه میزان این آیین‌ها برای مردمان با اهمیت و مهم بوده است. در اغلب مناطق کشور، جهت برگزاری و برپایی مراسم ازدواج بیش از سی آیین اجرا می‌شد که همه آنها نیز کارکردهای ویژه‌ای داشتند.<sup>۱</sup> در مجموع می‌توان این کارکردها را در چند محور همبستگی، همدلی، همیاری، شادی‌آفرینی و انسجام خلاصه کرد. موضوعاتی که امروزه در مراسم ازدواج دیده نشده و کمتر به آنها پرداخته می‌شود.

مراسم ازدواج در دزفول<sup>۲</sup> نیز همچون سایر نقاط کشور مشحون از مؤلفه‌های شادی‌بخش، انسجام‌آفرین و یاری‌بخش بود. در این مراسم اقوام و آشنایان شرکت می‌کردند، کدورت‌ها از بین می‌رفت، صمیمیت‌ها و دوستی‌ها محکم می‌شد، نوعی همبستگی و همدلی محلی ایجاد می‌گردید و افراد به طور مداوم در حال تجربه همزیستی بودند. در این مراسم احترام به بزرگان خانواده و آموزش آن به نسل‌های بعدی نوعی جامعه‌پذیری را در افراد خانواده ایجاد می‌کرد. در مجموع، این آیین‌ها شاید به شکل امروزی قابل اجرا نباشند اما می‌توان با مناسب‌سازی آنها در جهت احیای کارکردهای مورد نیاز امروز گام برداشت. در این مقاله به برخی آیین‌های مراسم ازدواج در دزفول اشاره شده است:

---

۱. برای آگاهی از مراسم ازدواج در مناطق مختلف کشور رجوع کنید به: فصلنامه فرهنگ مردم، ش ۱۳، ویژه آداب و سنن ازدواج.

۲. اغلب مردم‌نگاری‌های مربوط به مراسم ازدواج در دزفول از نگارنده مقاله می‌باشد.

### قصه کنون (qessa konun)

قصه کنون یکی از مراحل آغازین عروسی است. در این مراسم، مادر خواستگار به اتفاق دختر بزرگ و عروس خود به خانه دختری می‌رود که انتخاب کرده‌اند. به طور معمول موضوع ازدواج پسر را مادر عنوان می‌کند و پس از بررسی و تبادل نظر، مسئله انتخاب دختری مناسب، مطرح می‌شود. در گذشته ابتدا درباره دخترانی که احتمالاً در فامیل پدر یا مادر بودند بحث و گفت و گو می‌شد تا سرانجام یکی از آنها مورد پسند و توافق خانواده قرار می‌گرفت. چنانچه در فامیل پدر یا مادر، دختر مناسبی پیدا نمی‌شد دختران همسایه را در نظر می‌گرفتند و اگر در این مورد هم به نتیجه نمی‌رسیدند، به سراغ زن‌هایی می‌رفتند که دختر دم بخت در نظر داشتند؛ به این گروه از زنان «دلاله» می‌گفتند که به طور معمول چندین دختر را با ویژگی‌های مختلف می‌شناختند و خانواده‌ها را در این زمینه راهنمایی می‌کردند.

### زنون گردون (zanun gardun)

رسمی است از مراحل ازدواج که در گذشته بسیار قوی و پررنگ بود و طی دو نوبت انجام می‌گرفت:

**زنون گردون اول:** پس از تفاهم در مورد چند دختر سرانجام مادر خانواده همراه یک یا دو نفر از نزدیکان به خانه دختران مورد نظر می‌رفت. در این آمد و رفت‌ها؛ نحوه صحبت کردن دختر، لباس پوشیدن، زیبایی و کلیه حرکات و سکنات او زیر نظر قرار می‌گرفت. این گونه کنجکاو‌ها حتی نظافت فرش و قالی و موکت منزل دختر را نیز در برمی‌گرفت. به طور معمول، در ابتدا نیت این رفت و آمدها پنهان نگهداشته می‌شد اما اگر دختر مطلوب و مورد پسند خانواده پسر قرار می‌گرفت آن را آشکار می‌کردند.

### دلولی (daloli)

بعد از انتخاب دختر مورد نظر مادر پسر، به همراه یکی از نزدیکان و گاهی به اتفاق دلاله به خواستگاری دختر می‌رفت. پدر و مادر دختر نیز پس از این جلسه چنانچه موافق بودند شروع به تحقیق می‌کردند. به طور معمول خانواده دختر پس از چند رفت و آمد و با دیدن اصرار خواستگار، موافقت اولیه و تلویحی خود را اظهار کرده و پاسخ قطعی و اصلی را به زمان بعد محول می‌کردند. پس از بررسی کامل در صورت موافقت، جلسه‌ای ترتیب می‌دادند و پسر را از نزدیک می‌دیدند. چنانچه صورت و سیرت پسر مطلوب بود، موافقت نهایی خود را اعلام می‌کردند. این پاسخ را آره داین<sup>۱</sup> (âre dâyen) یعنی بله گفتن می‌گویند.

### آره داین (âre dâyan)

خانواده پسر برای جلب موافقت نهایی خانواده دختر تلاش می‌کردند و در ضمن رفت و آمدها وضعیت کار و توانمندی‌های پسر را برای والدین عروس توضیح می‌دادند و سعی داشتند بدین وسیله موافقت خانواده دختر را جلب کنند. خانواده دختر در صورت توافق با شرایط پسر موافقت نهایی خود را در این مرحله اعلام می‌کردند.

### کدخدیی<sup>۲</sup> (kadxodoyi)

پس از توافق دو خانواده، چند نفر از بزرگان و ریش سفیدهای خانواده پسر برای همراهی و

۱. دادن، گفتن

۲. دخالت بزرگان برای اصلاح امور.

یاری کردن پسر در امر ازدواج به خانه دختر می‌رفتند و در مقابل خانواده دختر نیز تعدادی از بزرگان خود را در این مراسم شرکت می‌دادند تا با مشارکت و همفکری بزرگترها کار بهتر انجام شود. در این محفل که همگی گوش به حرف‌های بزرگترها می‌دهند به طور معمول در مورد مهریه و شیربها که در گذشته به آن شیروا<sup>۱</sup> یا شیربا می‌گفتند، تصمیم‌گیری می‌شد. پدر عروس اغلب به خاطر احترام به حضور بزرگان مقداری از مبلغ شیربها را کم می‌کرد و البته میزان کاهش آن رابطه مستقیمی با جایگاه آن بزرگان داشت. پس از توافق پسر یا تازه داماد جهت احترام به خانواده دختر با اجازه بزرگان دست پدر یا بزرگتر دختر را می‌بوسید و همگی به پسر و دختر مبارک باد می‌گفتند. گاهی به دلایل مختلفی مبلغ شیربها به خانواده پسر برگردانده می‌شد و این پول با اضافاتی صرف خرید پارچه و لباس، طلا و غیره برای عروس می‌گردید.

### شیرینی خورون (širini xoron)

پس از انجام مراسم خواستگاری و کدخدایی نوبت شیرینی خوردن بود. حاضران در مجلس کدخدایی به مبارکی و میمنت سنت رسول ا... (ص) با ذکر نام خدا و صلوات بر محمد و آل محمد (ص) از سفره‌ای که بدین منظور گسترده شده بهره‌مند می‌شدند. اگر خانواده‌ای استطاعت چیدن سفره‌ای با شیرینی‌های مختلف نداشت به کمتر از آن اکتفا می‌کرد. در گذشته خانواده‌هایی که استطاعت مالی کمی داشتند بسیار ساده از مهمان‌ها پذیرایی می‌کردند. نگارنده خود صفا و فضای بسیار معنوی آن مراسم ساده را با تمام وجودش احساس کرده است.)

۱. پسوند «وا» به معنی بها و ارزش است.

### نشونه ونون (nešhuna vanun)

پس از موافقت نهایی خانواده دختر، خانواده پسر با خوشحالی و شعف بسیار به خانه عروس رفت و آمد می‌کردند تا با هم صمیمی‌تر و خودمانی‌تر شوند. هر بار نیز شیرینی و کادو می‌بردند. پس از چند بار رفت و آمد با تهیه تاس (ظرف) کوچکی به همراه مقداری شیرینی، یک قطعه طلا و مقداری پارچه نزد والدین دختر رفته و با اهدای این وسایل نشان یا نشانه دختر را می‌گذاشتند. در این مرحله، بین دو خانواده در کلیه مسائل تبادل نظر انجام می‌شد تا توافقی کلی و در اصطلاح تفاهم ایجاد شود. چند روز بعد داماد با خرید حلقه نامزدی این مرحله را به انجام می‌رساند.

**زنون گردون دوم:** در این مرحله، خواستگاری به پایان رسیده و توافق هر دو خانواده برای تاریخ و محل عروسی نیز تعیین می‌شد. زنون گردون دوم مرحله‌ای برای دعوت اقوام، آشنایان، دوستان و همسایگان به منظور حضور در جشن عروسی بود. بدین شکل که تعدادی از زنان خانواده داماد و عروس مانند خواهران، خاله‌ها، عمه‌ها و سایر اقوام نزدیک به خانه‌های خویشان و دوستان رفته و به شکل حضوری از آنها جهت شرکت در عروسی دعوت به عمل می‌آوردند.

### مر<sup>۱</sup> برون (mar borun)

مهم‌ترین و اصلی‌ترین بخش ازدواج همانا مجلس عقدکنان یا مر برون است. در گذشته در مراسم عقدکنان، دو خانواده به همراه عده‌ای از فامیل در منزل عروس جمع می‌شدند و دو

روحانی از طرف خانواده‌ها یا آشنایان عروس و داماد در این مراسم شرکت می‌کردند. دو روحانی در کنار هم می‌نشستند و با توجه به توافقات قبلی در مورد تعیین مبلغ مهریه و سایر مسائل مربوط به آن خطبه عقد را جاری می‌کردند.

### نمک تخشون<sup>۱</sup> (nemek taxšun)

بعد از اتمام عقد به طور معمول یک مهمانی ساده برگزار می‌شد. خانواده داماد، خانواده عروس را برای صرف شام دعوت می‌کرد تا هر دو خانواده به هم نزدیک‌تر شوند. زمان این مهمانی یک یا دو هفته پس از عقد و برای نمک‌گیر کردن خانواده عروس داده می‌شد.

### رخ برون<sup>۲</sup> (rax borun)

خانواده داماد به همراه خانواده عروس، چند روز قبل از عروسی به بازار می‌رفتند و چند قواره پارچه برای عروس خریداری می‌کردند. سپس خانواده داماد، قطعه طلایی را به همراه پارچه‌های خریداری شده به خانه عروس می‌فرستادند و پارچه‌ها را به خیاط می‌دادند تا لباس‌های مورد نیاز عروس را آماده کند.

### کتون ونون (ketun vanun)

پس از مراسم رخ برون که به مدت سه یا پنج یا هفت شب متوالی قبل از حنابندان انجام

---

۱. چشیدن، نمک‌گیر شدن

۲. رخت و لباس

می‌شد خانواده داماد مقداری حنا به همراه شیرینی و دیگر وسایل مورد نیاز را به خانه عروس می‌فرستاد تا حنا را روی نوک انگشتان و کف دست عروس بمالند. در گذشته قسمت‌های حنابندی شده را با پارچه سبز اطلسی می‌بستند و تا صبح در همان حالت نگه می‌داشتند تا کامل رنگ بگیرد. حنایی را که در کف دست عروس می‌مالیدند به «گل مшти» معروف بود.

### خلعتون<sup>۱</sup> (xalatuna)

چند روز قبل از عروسی خانواده عروس برای پدر، مادر، خواهران، برادران و اقوام نزدیک داماد متناسب با سن پارچه‌هایی تهیه کرده و به عنوان خلعتونه به آنها هدیه می‌کردند. این پارچه‌ها اغلب پیراهنی بودند و رسم بود که آنها را برای شب عروسی می‌دوختند و این عمل را نشان خوشحالی و رضایت اقوام داماد از کار خانواده عروس می‌دانستند.

### سر جهزی<sup>۲</sup> (sar johoz)

یک روز قبل از عروسی، جهیزیه عروس را در حیاط خانه یا جای مناسب و بزرگی مانند اتاق پذیرایی می‌چیدند تا مدعوین به عنوان شاهد آنها را ببینند. همچنین از تمام وسایل جهیزیه صورت‌برداری می‌کردند. پس از بردن جهیزیه به خانه داماد وسیله یا شیئی قیمتی و با ارزشی را به عنوان سرجهازی به عروس می‌دادند.

۱. پارچه پیراهنی اهدایی

۲. سر جهیزیه



## جهاز برون یا جهازکشون

بعد از ظهر روز قبل از عروسی، با مراسم خاص و با هلله و شادی جهیزیه به خانه داماد برده می‌شد. در گذشته حمل جهیزیه از خانه عروس به خانه داماد توسط افراد به صورت پیاده یا با قاطر انجام می‌گرفت اگر راه نزدیک بود وسایل سبک را درون خوانچه می‌چیدند و روی آن را با پارچه سبزی می‌پوشاندند و یک نفر خوانچه را روی سر می‌گذاشت و به خانه داماد می‌برد و وسایل سنگین را با قاطرها حمل می‌کردند. تعداد خوانچه‌ها و قاطرها بستگی به مقدار جهیزیه داشت و گاهی تعداد زیادی خوانچه و قاطر پشت سر هم در یک ردیف حرکت می‌کردند. صاحب قاطرها جلو کاروان جهیزیه حرکت می‌کردند و برای جلب توجه بیشتر زنگوله‌های بزرگی بر دو طرف قاطرها می‌بستند تا آنجا که صدای این زنگوله‌ها از فاصله دور نیز شنیده می‌شد. گاهی برای حمل جهیزیه مسیر را طولانی می‌کردند و از کوچه‌ها و محلات مختلف می‌گذشتند و مردم با شنیدن صدای زنگوله‌ها و جلودارها از خانه بیرون می‌آمدند و جهیزیه را تماشا می‌کردند. سپس به محض رسیدن کاروان جهیزیه به خانه داماد این وسایل با سلیقه خاصی در اتاق عروس چیده می‌شد.

جهیزیه قدیم مردم دزفول عبارت بود از:

**آفتابه سلبچه:** یک ظرف ورشویی گود مانند با لبه‌های پهن و کنگره‌ای با یک تُنگ دهانه بلند و دسته‌دار بود که برای شستن دست مهمان‌ها به کار می‌رفت و حکم یک دستشویی سیار داشت.

**کپو:** ظرفی دردار که از ساقه‌های برنج یا گندم و با نخ‌های رنگانگ بافته می‌شد. از این

وسیله برای نگهداری وسایل خیاطی نیز استفاده می‌کردند.<sup>۱</sup>

**یخدون:** صندوق بزرگ و چوبی و دردار با پایه‌های کوتاه که درون آن با یک ورق گالوانیزه پوشانده شده و بیرون آن را نیز با نوارهای فلزی رنگارنگ تزیین می‌کردند و این صندوق برخلاف نام آن برای نگهداری لباس مورد استفاده قرار می‌گرفت.

**جفنه:** تُغار چوبی برای تهیه خمیر.

**مجری:** صندوقچه‌ای چوبی برای نگهداری اسناد و مدارک.

**هزار پیشه:** صندوقچه‌ای چوبی و قسمت‌بندی که برای نگهداری قوری و استکان و نعلبکی مورد استفاده قرار می‌گرفت.

**مسقنه:** تُنگی مسی و مخروطی که دهانه‌ای گشاد داشت و برای حمل و نگهداری آب استفاده می‌شد.

**فرمون بر (فرمانبر):** سینی کوچک ورشویی که یک استکان و نعلبکی چای در آن قرار می‌دادند و جلو مهمان می‌گذاشتند که به صورت بیضی یا مستطیل ساخته می‌شد.

**بابزن:** بادبزن‌های دستی که از الیاف حصیری تهیه می‌شد.

**تش گلن:** آتش گردان

**دس رزون (das razun)**

در شب قبل از عروسی، خانواده داماد مقداری حنا تهیه کرده و به همراه قطعه‌ای طلا یا قواره‌ای پارچه به خانه عروس می‌فرستادند و ضمن پایکوبی و شادی در خانه عروس با آداب

۱. در حال حاضر از صنایع دستی منطقه به شمار می‌رود.

خاص خود مقداری از حنا را کف دست و پای عروس می‌مالیدند و البته پس از زمان کوتاهی عروس دست و پای خود را می‌شست. اقوام و بستگان بسیار نزدیک نیز به شوخی به سر و صورت همدیگر حنا می‌مالیدند و بدین شکل شادی خود را نمایان می‌ساختند. در گذشته، برخی خانواده‌ها دست و پای عروس را با دستمال‌های سه گوش اطلسی سبز رنگ می‌بستند و تا صبح به همان حالت نگه می‌داشتند و عروس صبح فردای حنابندان آنها را می‌شست.



پس از اتمام مراسم دس رزون (حنابندان) در خانه عروس، باقیمانده حنا را به خانه داماد می‌بردند. مراسم حنابندان در خانه داماد شور و حال دیگری داشت زیرا دوستان نزدیک داماد پس از آن که او را روی تشک می‌انداختند به گردش حلقه زده و با شادی و آواز محلی مراسم جشن عروسی را پرشورتر می‌کردند. گاهی داماد از وسط این حلقه پر سر و صدا خود را خلاص می‌کرد اما هم سن و سال‌های جوان داماد دوباره او را گرفته و به زور دست و پای او را می‌بستند و روی تشک می‌نشاندند و به دست و پایش حنا می‌مالیدند.

### سرپوشون (sar pušun)

عصر روز عروسی، عده‌ای از خانواده داماد به خانه عروس می‌رفتند و در آنجا به شادی می‌پرداختند و با صدای آهنگین می‌گفتند: «مُمُ اَمَمَّ!» سرپوشون. سپس چند نفر از زنان خانواده داماد در آنجا می‌ماندند و عروس را آرایش و زینت می‌دادند و یک پیراهن به او هدیه می‌کردند به نشانه این که عروس از امشب عضوی از خانواده داماد محسوب می‌گردد. مادر عروس و مادر داماد در چنین مجلسی، عروس را راهنمایی و ارشاد می‌کردند تا با زندگی جدید هماهنگ گردد. مادر عروس در حالی که چشمی به مادر داماد داشت در مقابل دیدگان او دخترش را نصیحت می‌کرد که احترام خانواده شوهر را داشته باشد و موجبات ناراحتی و اختلافات احتمالی را فراهم نکند و سعی کند با بکارگیری راهنمایی‌های بزرگان طایفه زندگی خوب و خوشی برای خود و شوهرش ایجاد کند.

### بی برون (bey barun)

در گذشته، بی برون، عصر روز عروسی انجام می‌شد و خانواده عروس ظهر آن روز عده‌ای از بستگان خود را برای نهار دعوت می‌کردند و برای استقبال از خانواده داماد که برای بردن عروس می‌آمدند، آماده می‌شدند. غذایی که ظهر روز عروسی در خانه عروس تهیه می‌شد به طور معمول عبارت بود از نان چربی و بادمجان و غذای شب عروسی که در خانه داماد آماده می‌گردید، باقلاپلو، ماست و تربچه بود.

پلو را در خوانچه می‌گذاشتند و مهمان‌ها دور خوانچه‌ها می‌نشستند و با دست غذا

می‌خوردند. گاهی چلو و خورشت نیز تهیه می‌شد که آن‌ها را روی هم در خوانچه می‌ریختند. بعد از خوردن غذا و شادی، زمان آوردن عروس فرا می‌رسید.

خانواده داماد به همراه عده‌ای از دعوت‌شدگان و چندین دایره‌زن، سُرناچی و تنبورزن به خانه عروس می‌رفتند و در میان راه، می‌نواختند و شادی می‌کردند. لازم به ذکر است نزدیک منزل روحانیون به منظور احترام به آنان از نواختن موسیقی خودداری می‌کردند. همچنین اگر در یک محله، خانواده‌ای سوگوار بودند، به احترام آنها نیز از نواختن موسیقی خودداری می‌شد. وقتی به در خانه عروس می‌رسیدند، با هم می‌خواندند:

مُ أُوْمَمَ بِي بَرُوْمُ

من آمده‌ام عروس را ببرم

بِي آ زِيرِ كَلَهْ بَرُوْمُ

عروس را از اتاقی که برایش آرایش شده ببرم

در این هنگام، خانواده عروس، در را باز نمی‌کردند و دقایقی چند، خانواده و همراهان داماد را پشت در معطل می‌گذاشتند. این کار برای این بود که اشتیاق داماد و همراهان را برای بردن عروس، بیشتر کنند. پس از آن که در به روی آنان باز می‌شد، خانواده داماد وارد خانه عروس می‌شدند و شروع به شادی می‌کردند. سرانجام طی مراسمی پدر، مادر و خواهران داماد، عروس را با خود می‌بردند.

اگر فاصله خانه عروس تا خانه داماد کوتاه بود، او را پیاده می‌بردند و در غیر این صورت او را سوار بر اسب کرده و چادر سفیدی به همراه پارچه‌ای سبز رنگ به نام «بادله» بر سر او می‌کشیدند و آینه‌ای بزرگ نیز در برابر عروس می‌گرفتند.

لباس‌هایی هم که زنان همراه داماد و عروس می‌پوشیدند معمولاً سبز رنگ بود. هنگامی که به در خانه داماد می‌رسیدند، مرغی را که مادر عروس از قبل تزئین و آماده کرده بود، پیش پای

عروس و داماد سر می‌بریدند و این شعر را می‌خواندند:

مَارِ بِي مَرِّ بِيَارُ  
أَجَا يَكِي، دُ تَا بِيَار

ای مادر عروس! مرغ را بیاور به جای یک مرغ، دو مرغ بیاور.

در ضمن اگر هنگام بردن عروس، باران می‌بارید، این شعر را می‌خواندند:

تَبِي كَلِي رِي بِيْمُونُ خَيْرَ

باران درشتی می‌بارد که هر قطره آن به اندازه دهان پر است، قدم عروس ما مبارک است.

پس از این که عروس و داماد به خانه داماد می‌رسیدند، آنها را روی سکملو (صندلی) می‌نشاندند و دور آنها شادی را آغاز می‌کردند؛ بر روی آنها نقل می‌پاشیدند و مادر داماد نیز مقداری هل و قند ساییده شده به افراد حاضر می‌داد. همچنین پدر داماد مقداری نقل و شیرینی همراه با چند سکه رایج روی سر آنها می‌ریخت.

### شبوش (شادباش) ša bowš

در شب عروسی بعد از این که عروس را به خانه داماد می‌آوردند، آنها را روی صندلی در وسط حیاط می‌نشاندند و خانواده‌های عروس و داماد به گردش شادی می‌کردند و دایره‌زن



با دایره خلخال‌دار خود موسیقی این لحظات شیرین و به یادماندنی را اجرا می‌کرد. به طور معمول مبلغی را که خانواده عروس و داماد به عنوان شبوش به عروس و داماد می‌دادند، آنها به دایره‌زن می‌بخشیدند. نزدیکان

### مردم‌نگاری مراسم عروسی در دزفول ❖ ۱۰۳

---

نیز هر مبلغی را که به دایره‌زن می‌دادند او (دایره‌زن) مبلغ شبوش را به چندین برابر بیشتر به نام آن شخص اعلام می‌کرد<sup>۱</sup> و زن‌ها کل<sup>۲</sup> می‌زدند.

#### دس به دس (das be das)

در این مراسم یکی از محارم عروس مانند پدر، برادر، عمو، دایی یا پدر داماد دست عروس را در دست داماد می‌گذاشت که به این کار دست به دست می‌گفتند. این کار نماد و نشانه اتحاد و وفاداری عروس و داماد تا آخر عمر بود. پس از این مراسم نماز شب عروسی ادا می‌شد.

#### روز صبحی (ruze sobhi)

در فردای روز عروسی خانواده عروس، صبحانه مفصلی به عنوان ناشتای عروسی تهیه و با آداب خاصی به خانه داماد می‌فرستادند. صبحانه عبارت بود از مقداری شیربرنج، سرشیر، نان و شیره شکر. ناشتایی را در ظروف چینی اعلا و درون خوانچه قرار می‌دادند و پارچه سبز نازکی به نام «بادله» روی آن می‌کشیدند و صبح یک نفر خوانچه را به خانه داماد می‌برد.

به طور معمول یک قطعه طلا نیز به همراه صبحانه برای عروس می‌فرستادند. ساعاتی پس از صرف صبحانه، خانواده عروس برای گفتن مبارکباد به خانه داماد می‌رفتند و به همراه خود یک یا دو مرغ بریان و مقداری حلوی محلی که روی آن را تزیین کرده بودند به خانه داماد می‌بردند.

---

۱. اعلام چند برابر مقدار اهدایی صرفاً نوعی احترام و تشکر توسط دایره‌زن بود.

۲. فریاد شادی، هلهله، نوعی چرخش زبان در دهان با صدای بلند توسط زن‌ها.

### سو روزه<sup>۱</sup> (so ruza)

در بعدازظهر روز سوم عروسی، مراسمی به نام سو روز انجام می‌شد. داماد به اتفاق پدر، برادران و اقوام نزدیک خود به خانه مادر عروس می‌رفتند و پس از صرف شیرینی، داماد دست مادر عروس را می‌بوسید و مادر عروس در مقابل، هدیه‌ای به داماد تقدیم می‌کرد. امروزه این مراسم، «مادرزن سلام» نامیده می‌شود و گاهی به آن «دست‌بوسان» نیز می‌گویند. در ضمن مراسم، خانواده عروس مقداری شیرینی که در گذشته عبارت بود از شکر پنیر، نقل و هیل قند<sup>۲</sup> به خانواده داماد می‌دادند.

### سو شوو<sup>۳</sup> (sošova) یا ری گشون (ri gošun)

شب سوم عروسی و گاهی سه شب بعد از شب عروسی، مهمانانی که در عروسی شرکت داشتند، در خانه داماد جمع می‌شدند و ضمن شادی، با آداب خاصی، هدایایی به عروس می‌دادند که به این هدایا «ری گشون» (پاتختی) می‌گفتند. «ری گشون بیشتر» به صورت پول نقد یا طلا بود.

در این مراسم، یک نفر، قلم و کاغذ به دست می‌گرفت و هدایا را می‌نوشت و آن را با صدای بلند اعلام می‌کرد. ثبت هدایا برای جبران محبت هدیه‌دهندگان انجام می‌گرفت.

۱. سه روزه (روز سوم عروسی)

۲. مخلوطی از هل و قند که به صورت پودر درمی‌آوردند.

۳. سه شبه (شب سوم): پاتختی



### هفته برارون (hafta berârun)

اولین جمعه پس از عروسی و بعد از مراسم سه شبه، خانواده عروس، عروس و داماد را برای شام به خانه خود دعوت می‌کردند و پس از صرف شام، هدیه‌ای به تناسب توان مالی و سلیقه خود به ایشان تقدیم می‌کردند. علت نام‌گذاری این مراسم به هفته برارون این بود که در این مهمانی برادران عروس شرکت می‌کردند. یعنی این مهمانی به افتخار عروس و داماد و برادران عروس برگزار می‌شد. برادران عروس نیز هر کدام هدیه‌ای به او می‌دادند.



### جمعه گیرون (jom?ah girun)

بعد از مراسم سه شبه و هفته برارون، به مدت چهار هفته روزهای پنجشنبه (هر هفته)، عروس به خانه پدرش می‌رفت. به این ترتیب که عصر پنجشنبه مادر عروس می‌آمد و او را به خانه خودش می‌برد و روز جمعه داماد به همراه خانواده‌اش به خانه عروس می‌رفتند و پس از صرف شام، عروس را به خانه خود برمی‌گرداندند. این مراسم به «جمعه گیرون» معروف بود.

### پاگشون (pâgošun)

آخرین مهمانی که به افتخار عروس و داماد داده می‌شد دعوت آنان به پاگشون بود. این مهمانی‌ها برای این انجام می‌گرفت که عروس و داماد برای رفتن به خانه نزدیکان، رودربایستی را کنار بگذارند و با فامیل یکدیگر بیشتر آشنا شوند. مهمانی‌ها ابتدا از طرف پدر و مادر عروس آغاز می‌شد و بعد از آن خواهران و برادران عروس و پس از آن نوبت به اعضای خانواده داماد می‌رسید.

در تمام این مهمانی‌ها، هدایایی از طرف میزبان به عروس و داماد تقدیم می‌شد. در گذشته، مادر عروس به همه مهمان‌ها هدایایی از قبیل پیراهن، پارچه و مقداری آجیل شامل کنجد، شاهدانه، بادام، تخمه و سایر مواد تعارف می‌کرد اما امروزه چنین رسمی انجام نمی‌شود.

### لباس عروس

لباس عروس در گذشته از پارچه اطلسی به رنگ سبز تهیه می‌شد که امروزه جای خود را به رنگ سفید داده است. لباس عروس عبارت بود از پیراهن بلند، گل بهار و دامن پفی. گل بهار عبارت بود از پارچه توری که با گل‌های مصنوعی کوچکی تزیین شده بود و روی سر عروس انداخته می‌شد. بعدها لامپ‌های کوچک رنگی نیز در اطراف آن قرار می‌دادند که با باطری روشن می‌شد و دوستان عروس این شعر را می‌خواندند:

گل بهار تویی ماه من، مه آسمونی  
گل بهار تویی جان من، دو ابرو کمونی

## منابع

۱. محمودزاده، عظیم (۱۳۸۵) فرهنگ عقاید و باورهای مردم دزفول، دزفول: انتشارات افهام.
۲. نجاتعلی، نصرالله و دیگران (۱۳۸۴) بی‌برون (مراسم سنتی عروسی در دزفول)، قم: نجابت.

